



«اردشیر جی» پسر ایدلجی پسر شاپور جی، ۲۲ آگوست ۱۸۶۵م در یک خانواده زرتشتی ایرانی‌تبار در بمبئی به دنیا آمد. پدر و پدربزرگ او گزارشگران روزنامه انگلیسی «تایمز» در بمبئی بوده‌اند لذا اردشیر و با توجه به عملکردهای اردشیر جی در ایران معتقدیم در سال‌های یافت. دوران زندگی اردشیر ریپورت‌ر را می‌توان به ۲ مرحله تقسیم کرد: از تولد تا ۲۷ سالگی که دوران شکل‌گیری شخصیت او در خارج از ایران است و از ۲۷ سالگی تا پایان زندگی در ۶۸ سالگی که دوران فعالیت اطلاعاتی و سیاسی او در ایران است. درباره دوران نخست زندگی اردشیر ریپورت‌ر اطلاع اندکی در دسترس ما است. می‌دانیم که پدر و پدر بزرگ اردشیر از کارکنان دستگاه استعماری بریتانیا در بمبئی بوده‌اند. با توجه به تاریخ استعمار بریتانیا در هند و بهره‌گیری گسترده آن از عوامل بومی و با توجه به اینکه به‌گفته ارتشبد فردوست، سیستم جذب دستگاه اطلاعاتی انگلیس یک سیستم دودمانی و موروثی است و با توجه به اینکه هم اردشیر و هم پسرش شاپور ریپورت‌ر در طول زندگی خود کارت خبرنگاری روزنامه تایمز لندن را در جیب داشته‌اند، نمی‌توانیم ایدلجی و شاپور جی (پدربزرگ اردشیر) را گزارشگران ساده روزنامه تایمز محسوب داریم.لازمه محقیم که آنان را کارمندان بومی اینتلیجنس سرویس در بمبئی معرفی کنیم، بنابراین پیوند این‌ خاندان را با سرویس اطلاعاتی بریتانیا باید در تاریخ دیرین اینتلیجنس سرویس ریشه‌یابی کنیم.بدین‌سان، اردشیر ایدلجی از بطن شاخه‌ای از «کلان» (Clan) پُرشاخ و برگ محسوب می‌باشد. در سال‌هایی که اردشیر با محیط اجتماعی خود آشنا شد، رجال «پارسی» مقیم بمبئی در دستگاه استعمار بریتانیا قرب و منزلتی خاص داشتند، تا بدان‌جا که سر جمشید جی‌جی‌به‌ای (بارونت دوم) از دوستان خصوصی شاه انگلیس و بسر جمشید جی‌جی‌به‌ای (بارونت سوم) از نزدیکان مورد احترام ملکه انگلیس و ریچمن-نایبالسلطنه هندوستان- بودند و کلووس جی (بارونت چهارم) و رستم جی (بارونت پنجم)، رؤسای پارسیان بمبئی، از مدعوین خاص در مراسم تاج‌گذاری شاهان انگلیس (دوارد هفتم و جرج پنجم) به شمار می‌رفتند. اردشیر ۱۱ ساله بود که توسط «فرانسس ترنر» انگلیسی «لُر» اسلام» که به فراماسونری بریتانیا وابسته بود، در بمبئی تأسیس شد و فعالیت خود را در راستای جلب نخبگان- از میان مسلمانان، زرتشتیان، یهودیان و…- آغاز کرد. پیوندهای اردشیر ایدلجی با فراماسونری بمبئی موضوعی است که باید بر اساس اسناد مورد پژوهش قرار گیرد ولی با توجه به نقشی که بعدها ی در فراماسونری ایران ایفا کرد، در عضویت اردشیر در «لُر اسلام» نمی‌توان تردید داشت. اردشیر در نوجوانی برای تحصیل عازم انگلیس شد و با حمایت اینتلیجنس سرویس تحصیلات دانشگاهی را در رشته‌های علوم و حقوق سیاسی، تاریخ شرق و تاریخ باستان به پایان رساند و عالی‌ترین آموزش‌های اطلاعاتی را فراگرفت. در این دوران اردشیر استعدادی سرشار از خود نشان داد و توانست چنان‌چهره درخشانی از خود ترسیم کند که او را شایسته‌مهم‌ترین مأموریت‌های سری در ایران متاملط عهد مشروطه و پس از آن، با آن وزن و اهمیت سیاسی، برگرداند و وی را تا پایان عمر در زمره «دوستان

صمیمی» رجال معروف انگلیس، چون سر پرسی سایکس، سر دنیس رایت، لرد لینگتن و… قرار دهد. با توجه به نقش روچیلدها و رابطه ویژه‌ای که بعدها لرد «ویکتور روچیلد» با شاپور جی، پسر اردشیر جی داشت و با توجه به عملکردهای اردشیر جی در ایران معتقدیم در سال‌های اقامت در انگلیس اردشیر جی روابط ویژه‌ای با لرد لئونیل والتز روچیلد و برادرانش داشت و همین رابطه نقشی اساسی در سرنوشت بعدی اردشیر و ارتقای وی در دستگاه اطلاعاتی انگلیس ایفا کرد. اقامت اردشیر در لندن تا سال ۱۸۹۳ ادامه داشت و اوایل این سال اردشیر ۲۷ ساله با اندوخته‌ای غنی به بمبئی بازگشت. اردشیر ۲۳ ساله بود که فتوای تاریخی آیت‌الله العظمی «میرزای شیرازی» «آنحضرت تنبوا کُر رخ داد و استعمار بریتانیا را متوجه عمق خطری که- از جانب ایران منفع او را تهدید می‌کرد، کرد، از این رو فعالیتی شدید را برای سوار شدن بر امواج انقلاب ایران و تحکیم مواضع خود در این نقطه حساس و استراتژیک آغاز کرد. پاییز ۱۸۹۳، چند ماه پس از بازگشت وی به بمبئی، اردشیر از سوی نایبالسلطنه هندوستان مأموریت یافت راهی ایران شود و در فضایی که بسوی انقلاب در آن استشمام می‌شد، سنگ‌راهی دستگاه پر توطئه و ترفندباز اینتلیجنس سرویس انگلستان را استوار کند. ورود اردشیر ریپورت‌ر به ایران به یک پوشش مناسب نیاز داشت، به نحوی که وی در قالب آن بتواند به سرعت و سهولت به دربار و محافل اشرافی حاکم راه یابد و دانش و آموزش و تجربه خود را به نحوی ترمبیشش در عالی‌ترین سطوح به کار گیرد. با مرگ مرموز «کی‌سرو» جی خالصاحب- سرپرست زرتشتیان ایران در کرمان و در میانه، سفر اردشیر به تهران که حامل هدایای انجمن اکابر پارسیان بمبئی برای دربار قاجار بود، موقعیت مطلوبی برایش پدید آورد. اردشیر از سوی سر دینشاه پنتی، رئیس انجمن اکابر پارسیان بمبئی، به عنوان نماینده این انجمن و سرپرست جدید زرتیشان ایران راهی کرمان شد و محموله گرانه‌های ایدلجی را به دست گرفت و در تهران به ناصرالدین‌شاه، ظل‌السلطان، امین‌السلطان (صدراعظم) و دیگر رجال ناصری تقدیم کرد. بدین‌سان، نقش پنهان و بی‌س مؤثر ۴۰ ساله اردشیر ریپورت‌ر آغاز شد و نام او را به عنوان مؤسس و کارگردان نخستین شبکه‌های اینتلیجنس سرویس و از بنیان‌گذاران فراماسونری ایران در تاریخ معاصر کشور ما به ثبت رسانید.

■ **اردشیر ریپورت‌ر در ایران**

شرح فعالیت‌های ۴۰ ساله اردشیر ریپورت‌ر در ایران که با دوران پرحادثه و تعیین‌کننده مشروطه و پس از مشروطه گره خورده است، نیازمند بحثی مبسوط و پژوهشی جامع است. رشید شه‌مردان در کتاب فرزانگان زرتشتی می‌نویسد: «اردشیر جی مدت ۴۰ سال تا پایان زندگی مصدر خدمات بسیار مهمی در ایران… بود. دوره زندگی فرازانه اردشیر جی در ایران… دوره انقلاب و تجدد و مشروطه‌خواهی بود و رویه خدمت و فعالیت نیز مختلف. نسل جوان جویای ترقی و نام و شهرت و هر چیز، مغرب زمین را نمونه پیشرفت می‌دانستند. بنابراین در بیدار کردن احساسات ایران پرستی و آزادی و احیای سنن و شعائر ملی و تذکر مفاخر

باستانی بین نسل جوان و رجال متجدد مساعی جمیله ابراز می‌داشت و یکی از اعضای انجمن آزادی‌خواهان ایران بود. آقای مهدی ملکزاده در کتاب زندگانی ملک‌المتکلمین، ص۱۵۳ تهران، ۱۳۲۵] نام فرزانه اردشیر جی را نیز جزو آزادی‌خواهان ضبط نموده… فرزانه اردشیر جی نه تنها بی رجال و درباریان و خاندان سلطنتی ایران طرف توجه و صاحب نفوذ بود، بلکه رجال سیاسی دولت انگلستان مقیم تهران نیز با نظر احترام به او می‌نگریستند و در امور خاورمیانه بویژه ایران جویای نظرات و خیالات او می‌بودند. رجال معروف انگلیس مانند سر پرسی سایکس، سر دنیس رایت، لرد لینگتن و… از دوستان صمیمی او بودند. کابینه انگلستان او را به سمت مشاور مخصوص سفارت خود در تهران منصوب و گذرنامه خصوصی برایش صادر ساخت. فرزانه اردشیر جی با خانواده‌های رجال بزرگ ایران آمد و شد داشت و مخصوصا در بیدار کردن گروه زنان ایرانی و آشنا ساختن آنان به حقوق خود… کوشش خستگی‌ناپذیر به عمل می‌آورد… خدمات اجتماعی او در پس پرده انجام می‌گرفت. جویای نام و شهرت نبود. هر چند سال یک‌بار سفری به هند می‌نمود و پارسیان را از نتایج حاصله و روش کار خود باخبر می‌ساخت و طرح فعالیت‌های آینده را می‌ریخت… فرزانه اردشیر جی با سران ایل بختیاری روابط صمیمانه داشت و آنها را به اعاده مجد و جلال و فر و شکوه ایران باستان تهییج می‌نمود(۱) کلیه سفار تخانه‌های خارجه در تهران با نظر احترام به او می‌نگریستند. رجال معتبر دولت ایران در امور سیاسی نیز فرزانه اردشیر جی را مشاور خود قرار می‌دادند و بسیاری تربیت فرزندان خود را بر سرپرستی او واگذار می‌نمودند و زمانی هم در مدرسه علوم سیاسی تهران سمت استادی را داشت. روزنامه تایمز لندن او را به سمت خبرنگار خود در ایران و خاورمیانه برگزیده بود. فرزانه اردشیر جی زبان‌های کردی و لری را نیز می‌دانست و بین آن ایلات صاحب نفوذ بود و طرف توجه و احترام همه ایشان. دانشگاه السنه آسیایی پتروگراذ از او برای تدریس زبان‌های آسیایی دعوت به عمل آورده بود ولی چون صاحب گذرنامه خصوصی بود، از پذیرفتن دعوت خودداری نمود….

■ **استعمار انگلیس و «نخبگان» ایرانی**

امپریالیست‌ها در پی نشاندن زقوم سودپرستی در سرزمین‌های مستعمره و وابسته‌اند. برای این منظور امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا و فرانسه و دیگر امپریالیست‌ها ابتدا نهال فرهنگ ویژه خود را در مغزا نشاندند تا فضای مساعدی برای غارت و تسلط فراهم شود. برخی واقعیات را در این باره ذکر می‌کنیم: چارلز ترولین در کتاب آموزش و پرورش در هندوستان (چاپ لندن، ۱۸۳۸م) می‌نویسد: «جوانان هندی پرورش یافته تحت سرپرستی غرب کاملاً آشنا با فرهنگ و تمدن مسا دیگر ما را (بریتانیایی و بریتانیایی- به‌طور کلی غربی‌ها را) بیگانه نمی‌دانند، بنابراین سلطه استعماری ما را تشخیص نمی‌دهند. ما را ایفا نمایند و قرار می‌دهند، ما را حامیان خود می‌شناسند، آرزوی آنان این است که مانند ما شوند». لرد ماکاولی، طراح فرهنگ در هندوستان و دوست چارلز ترولین، در خاطرات خود (۱۸۳۵ م) می‌نویسد: «هدف این فرهنگ این است که یک طبقه از هندی‌ها تربیت شوند که بتوانند نقش رابط بین ما و میلیون‌ها هندی تحت سلطه ما را ایفا نمایند و وسیله تفاهم بین ما باشند؛ یک طبقه از نژاد هندی و خون هندی ولی دارای سلیقه، اخلاق و فرهنگ انگلیسی…» دستچین وجذب «نخبگان» بومی و پرورش آنان با روح فرهنگ غربی از مهم‌ترین اهرم‌های سیطره استعمار و نواستعمار بر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده است. آلبر ممی در تشریح فرایند استعمارزدگی و استعالمه‌ای که در روانشناسی این «نخبگان» رخ می‌دهد، چنین می‌نویسد: «اولین اقدام استعمارزده این است که با رفتن به جلدی دیگر شرایط دیگری را کسب کند. در اینجا سرمشقی فریبنده و در دسترس، خود را به او ارائه و تحمیل می‌کند. این سرمشق، استعمارگر است. آنکه از هیچ‌یک از کمبودهای او رنج نمی‌برد، همه حقوق را داراست، از همه خوبی‌ها و سودها و اعتبارها بهره‌مند است و از ثروت و افتخارات و روش‌های فنی و اقتدار برخوردار(او همان طرف قیاسی است که استعمارزده را پایمال می‌کند و در بندگی نگه می‌دارد. پس اولین آرزوی استعمارزده این خواهد بود که خود را به این سرمشق براعتیار برساند، تا آنجا که از فرط شباهت با او، در او محو گردد…

زیاده‌روی استعمارزده در تقلید از این سرمشق، خود نشان گویایی است: زن موبور، اگرچه بی‌نمک و نازیب، باز بر زن مو مشک‌ی برتری می‌یابد. کالای که استعمارگر تولید می‌کند یا قوی‌ی که او می‌دهد، با اعتماد بیشتری روبه‌رو می‌گردد. آداب و رسوم و لباس و غذا و معماری استمارگر، حتی اگر با محیط سازگار نباشد، باز بشدت تقلید می‌شود و حد نهایی این تقلید نزد جسورترین افراد زن‌شویی با زن فرنگی است. حال اگر روی‌آوری به ارزش‌های استعماری، رویگردانی از خویش را در

بر نداشت، چندان مشکوک به‌نظر نمی‌رسید. لیکن استعمارزده در پی بهره گرفتن از شایستگی‌های استعمارگر نیست، بلکه به نام شخصیت فردای خود و با شور و هیجان، به ناچیز کردن و دور افکندن شخصیت امروز خویش می‌پردازد». در بررسی تاریخ نفوذ نواستعمار غرب در ایران، این مکانیسم سلطه را به صورت پرورش انبوهی از رجال سیاسی و نخبگان فرهنگی غربگرا و خودباخته می‌یابیم؛ رجال و نخبگانی که در مکتب میرزاملکم‌خان‌ها و فراموشخانه‌والقبای سیاست را آموختند، در جامع آدمیت و لُر بیداری ایران نقشی پرسدیسسه در توفان سیاسی دگرگونی‌های روز ایفا کردند، در مدرسه سیاسی به عنوان برگزیدگان جامعه‌ای متکوب و استعمارزده درس جلوفروشی و فاضل‌مابی فرا گرفتند، ثمره کار خود را به صورت رژیم‌یریشه پهلوی به تاریخ معاصر ایران تقدیم داشتند و سپس در دوران رسوخ امپریالیسم آمریکا، در دهه ۱۳۴۰، فرهنگی رنگین ولی بی‌هویت را با تمام زرق و برق و ابهت کاذب آن به پا داشتند. درباره نقش اردشیر جی در سازمان سری «جامع آدمیت» که در آغاز فعالیت وی در ایران در پس‌پرده حوادث، سهمی جدی داشت، اسناد کافی در دسترس ما نیست ولی براساس شواهد موجود پیوندهای اردشیر ریپورت‌ر با این جمع رجال (گرداننده شاخه «جامع آدمیت» در گیلان) موضوعی درخور بررسی می‌دانیم و معتقدیم که از تباطات «جامع آدمیت» با لُر انگلیسی «اسلام» در بمبئی با واسطه اردشیر جی حائز یازبینی جدی است. معهذاً می‌دانیم که ۶ سال پس از ورود اردشیر ریپورت‌ر به ایران، به سال ۱۳۱۷ ق. / ۱۸۹۹ م. «مدرسه علوم سیاسی» توسط ۲ فراماسون و انگولفیل سرنشان، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و سپرشن میرزا حسن‌خان مشیرالملک تأسیس شد که هدف جذب «نخبگان» جامعه ایرانی و پرورش آنان با روح فرهنگ استعمارزدگی و غربزدگی را به عهده داشت. در زمره مدرسین این مدرسه به نام اردشیر جی ریپورت‌ر، به عنوان معلم تاریخ باستان، در کنار چهره‌های چون محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، رجبعلی منصورالملک (پدر حسنعلی منصور)، ادیب‌السلطنه سمیعی، ابوالقاسم انتظام‌الملک و… آشنای شومیم. از درون شاگردان همین مدرسه است که برجسته‌ترین مهره‌های انگلیس و آمریکا برون آمدند و در رژیم پهلوی به کار گزاران درجه‌اول سیاسی و فرهنگی کشور بدل شدند. احمدخان ملک‌ساسانی جوفرهنگی و سیاسی حاکم بر این مدرسه را چنین توصیف می‌کند: «…

این مدیران و معلمین که اغلب‌شان فقط برای این انتخاب شده بودند که شاگردان را از طریق وطن‌پرستی منحرف و به خدمتگزاری اجلی متوقف کنند در سر کلاس موضوع درس را کنار گذارده و راجع به اصول مقصود صحبت می‌کردند [خان ملک‌ساسانی سپس خاطراتی از فروغی نقل می‌کند که در مقاله «فروغی و جایگاه او در تاریخ معاصر ایران» مورد استناد قرار داده‌ایم. روز دیگر جناب سیدولی‌الله‌خان نصر هم که تشریح درس می‌داد. در سر درس فرمودند ایران مثل خزای است که به دیوار استخر سپیده‌باش و دولت‌تفاهم در شرت‌کت نفت به هدف خود کاملاً ناانل نباشد خزه‌وچود خارجی ندارد. در میان فارغ‌التحصیل‌های مدرسه است که هم سواد پیدا شد و سطح معلومات‌شان اساساً از سیکل اول مدرسه بالاتر نبود یعنی همان اندازه اکم! اهتلیزبان اینتلیجنس! سروسپ در مستعمرات مایل است اما کثر آنها به واسطه تلقینات و تبلیغات مدیران و معلمین به نوکری خارجی‌ها تن در داده و به جاسوسی اجنبی رفتند. لیاقت همدوسیتی با دیپلمات‌های اروپا که پیدا نکردند سهل است، به واسطه عملیات نامشروع خود در میان فارغ‌التحصیل‌های مدرسه است که بر دند و مؤسسین مدرسه به مقصود نهایی خود رسیدند… دستور ذکاءالملک و منصورالملک و باقر کاظمی همیشه این بود که ناپستی اشخاص بسواد و باهوش جزو کارمندان وزارت خارجه در آیند… با کمال اطمینان می‌توان گفت مدرسه علوم سیاسی تهران خدمت خود را به اجنبی به‌بهترین وجهی انجام داد و شرت‌کت نفت به هدف خود کاملاً نالده آمد و هم‌سته مرکزی برای خدمتگزاری شرکت در ایران تهیه کرد که همیشه مطابق میل و دستور او رفتار نمایند و هیچگاه علیه منافع او قدیمی برندارند. حق این است که کارگزاران شرکت هم همیشه از آنها طرفداری نموده و با پشتبیبانی خود در مدت ۳۰-۴۰ سال اخیر همه پیست‌های حراس مملکت را به آنها سپرد…» درباره قدمت و عمق پیوندهای اردشیر ریپورت‌ر با فروغی‌ها به مددبخای استناد می‌کنیم که میرزا محمدحسین فروغی (پدر محمدعلی فروغی) در روزنامه تربیت (شماره ۲۰، ۴۲۹، ۲۰ عقده ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴م)، در دفاع از اردشیر نگاشت: «ردشیر جی را که از جانب اکابر پارسیان هندوستان مأمور سرپرستی فارسی‌های ایران بوده- شاید حالا هم به همان مأموریت باشد- سال‌هاست که بنده می‌شناسم و به تفصیل و تحقیق از مجاری می‌یابد. کالای که استعمارگر تولید می‌کند یا قوی‌ی که او می‌دهد، با اعتماد بیشتری روبه‌رو می‌گردد. آداب و لباس و غذا و معماری استمارگر، حتی اگر با محیط سازگار نباشد، باز بشدت تقلید می‌شود و حد نهایی این تقلید نزد جسورترین افراد زن‌شویی با زن فرنگی است. حال اگر روی‌آوری به ارزش‌های استعماری، رویگردانی از خویش را در

درباره اردشیر ریپورت‌ر و چند دهه فعالیت برای دستگاه جاسوسی انگلیس

پدر یک خاندان جاسوسی!

و اهل خبره می‌باشد، ناشی نیست که فریب بخورد. گذشته از فضل و دانش اردشیر جی، بنده افروغی ا خود از مشرب و کار و مأموریت و خیال آن مرد کاملاً آگاهم و می‌دانم یک قدم برنداشته مگر به خیال ترقی مملکت ایران(۱)». فروغی، همچنین در نشریه فوق که به گفته یحیی آرین‌پور «لحن چاپلوسانه و ستایشگرانه آن به مقدار زیادی از اهمیت و اعتبار آن می‌کاست»، سال ۱۳۳۴ یا ۱۹۰۶م، به مناسبت بازگشت اردشیر ریپورت‌ر از سفر هندوستان شرح مفصّلی از «خدمات» او درج و از ورود مجدد او به تهران ابراز خرسندی و ابراز امیدواری کرد «ایرانیان از دانش و تجربیات او استفاده ببرند!» پیش از این سفر در سال ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴م، اردشیر را در زمره اعضای «انجمن مخفی» تهران که توسط ملک‌المتکلمین و سیدجمال‌الدین واعظ رهبری و اداره می‌شد و اعضای آن عمدتاً از ماسون‌های ایرانی بودند، می‌یابیم و بدین ترتیب محقیم که نقش مرموز و درجه‌اول اردشیر ریپورت‌ر را در عملیات پس پرده حوادث مشروطه مورد تأکید مجدد قرار دهیم. پس از این سفر، به سال ۱۳۳۴ ق. / ۱۹۰۷ م. شاهد تأسیس «لُر بیداری ایران» هستیم که اردشیر ریپورت‌ر از اعضای آن به شمار می‌رفت و به اعتقاد ما مؤسس واقعی و کارگردان اصلی ولی در پس‌پرده این مجمع مسوونی بود. در همین جا باید توضیح دهیم که فراماسونری در ایران، در واقع نوعی مکتب به منظور جلب نخبگان، پرورش و ارتقای آنان در هرم سیاسی و فرهنگی کشور در جهت اهداف استعمار بریتانیا به شمار می‌رفته که در مرکز و در پس‌برده‌های آن دست پنهان اینتلیجنس سرویس در کار بوده است، بنابراین آنچه بیش از وابستگی‌های رسمی لژهای ایرانی به فراماسونری بین‌المللی حائز اهمیت است، همین نقش فراماسونری ایران به عنوان سازمان «لُر» (Loose) و پوشش سیاسی- فرهنگی سرویس اطلاعاتی بریتانیاست. پس این ادعای سر دنیس رایت که «معصومانه» ابراز تعجب می‌کند که به‌رغم وابستگی رسمی بیشتر لژهای ایران به فراماسونری فرانسه، معلوم نیست چرا ایرانیان، انگلیسی‌ها را به «استفاده شیطانی از فراماسونری» متهم می‌کنند، تجاهلی سالوسانه‌بیش نیست. رایت می‌نویسد: «هیچ مدرک قانع‌کننده‌ای یافتیم که اعتقاد رایج ایرانی‌ها را نسبت به استفاده شیطانی انگلیسی‌ها از فراماسونری تأیید کند(۱) انگلیسی‌ها بر خلاف فرانسوی‌ها فراماسونری را به عنوان وسیله‌ای برای اشاعه فرهنگ و تمدن خود نیز ندیدند. انگلیسی‌ها هیچ کوششی، با حداقل کوشش زیادی، برای جلب افراد به مجامع ماسونی و وابسته ساختن لژهای ایران، به مجامع فراماسونی خودشان، به عمل نیلورندند. گفته اخیر سر دنیس رایت صحت دارد و علت آن را باید تجربه لژهای انگلیسی در هندوستان دانست که سبب تشدید نفرت ضداستعماری مردم هند از انگلستان شد ولی دعوی «معصومیت» انگلیسی‌ها در این معرکه و «عدم بهره‌گیری شیطانی انگلستان» از ماسون‌های ایرانی آن هم از سوی رایت که خود بر بسیاری از پیوسته‌ده تاریخ ایران اشراف دارد، انسان را در یاد تجاهل مضحک سیدحسین تقی‌زاده می‌اندازد که زمانی در مجلس شورا «تهام» فراماسونگری علیه خود را «قصه جن و پری» خواند! بدین‌سان اردشیر ریپورت‌ر با بهره‌گیری از موقعیت شاختی که در محافل اشرافی ایران کسب کرده بود، از تباطات و وسیعی را با رجال و معاریف کشور برقرار کرد و با لطایف‌احیل می‌کوشید آنان را به درجاس مختلف، از هواداری فرهنگی غرب تا مزدوری رسمی اینتلیجنس سرویس، جذب کند. محمد مصدق در خاطرات خود گونه‌ای از ظرفیت برخورد اردشیر را که بیانگر سبک زیرکانه کار او و پسرش شاپور جی است، ثبت کرده است: «… بعد از شروع جنگ اول جهانی که دولت ترکیه کاپوتولاسیون را القانمود، طی رساله‌ای نظریات خود را برای اینکه دولت ایران هم همان رویه را تعقیب کند، منتشر کردم که در جامعه حسن اثر نمود. سپس اردشیر جی ادوایج نمایانده زرتشتیان هند در ایران به دیدم آمد و ضمن صحبت اظهار کرد رساله شما در سفارت انگلیس مورد بررسی قرار گرفت و گفتند نویسنده تحت تاثیر تبلیغات آلمان قرار گرفته است و من برای رفع هر گونه سوءتفاهم گفتم که نویسنده را سال‌هاست می‌شناسم و او کسی نیست که تحت تأثیر سیاست بیگانه در آید. چون تحصیلاتی کرده و اکنون به ایران آمده خواسته است در این باب اظهارنظری نماید…» اردشیر ریپورت‌ر طی دوران انگیس خود که به ایران خود در ایران که از ورود او در سال ۱۸۹۳م، ۳ سال پیش از قتل ناصرالدین‌شاه، تا مرگ او در ۲۳ فوریه ۱۹۱۳م، ۴ اسفند ۱۳۱۱ش در تهران در اوج سلطنت رضا شاه مستند است، علاوه بر میراث سیاسی که در قالب سلطنت پهلوی تبلور یافت، شبکه‌ای از عوامل اینتلیجنس سرویس را نیز برجای گذارد که به‌مثابه یک «اشراف‌های اطلاعاتی» موقعیت ممتاز خود را در درون کاست بسته و موروثی محفوظ داشتند و اعیاب آنان نیز در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی اهرم‌های اساسی حکومت را به دست گرفتند.

منبع: عبدالله شهزادی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲

پاساژگردی- در حالی که ظرفیت‌های تفریحی خاصی در آنها وجود ندارد- از آثار سوء ناشی از رشد بی‌رویه چنین مجتمع‌های تجاری است که عملاً سبب زندگی جدیدی را به جامعه شهری تحمیل کرده است. از سوی دیگر افزایش بی‌رویه این مراکز تجاری سبب ایجاد تقاضا برای واردات غیرضروری کالاهای خارجی شده که در شرایط کنونی اقتصاد کشور، با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تضادی آشکار است. در حالی که در بیشتر مراکز تجاری کلانشهرهای کشورمان خبری از ارائه خدمات مورد نیاز شهروندان نیست، در بسیاری از کشورهای جهان در چنین موقعیت نمایانده زرتشتیان هند در ایران به دیدم آمد و ضمن صحبت اظهار کرد رساله شما در سفارت انگلیس مورد بررسی قرار گرفت و گفتند نویسنده تحت تاثیر تبلیغات آلمان قرار گرفته است و من برای رفع هر گونه سوءتفاهم گفتم که نویسنده را سال‌هاست می‌شناسم و او کسی نیست که تحت تأثیر سیاست بیگانه در آید. چون تحصیلاتی کرده و اکنون به ایران آمده خواسته است در این باب اظهارنظری نماید…» اردشیر ریپورت‌ر طی دوران انگیس خود که به ایران خود در ایران که از ورود او در سال ۱۸۹۳م، ۳ سال پیش از قتل ناصرالدین‌شاه، تا مرگ او در ۲۳ فوریه ۱۹۱۳م، ۴ اسفند ۱۳۱۱ش در تهران در اوج سلطنت رضا شاه مستند است، علاوه بر میراث سیاسی که در قالب سلطنت پهلوی تبلور یافت، شبکه‌ای از عوامل اینتلیجنس سرویس را نیز برجای گذارد که به‌مثابه یک «اشراف‌های اطلاعاتی» موقعیت ممتاز خود را در درون کاست بسته و موروثی محفوظ داشتند و اعیاب آنان نیز در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی اهرم‌های اساسی حکومت را به دست گرفتند.

منبع: عبدالله شهزادی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲

معضلات رشد بی‌رویه مجتمع‌های تجاری در کلانشهرها

چنین جذابیت‌هایی، رابطه‌ای دوطرفه و پرمنفعت میان مدیریت شهری و سرمایه‌گذاران این حوزه به وجود آورده که دود آن تنها به چشم جامعه شهری می‌رود. بر اساس تحقیقی که از جانب گروهی از کارشناسان اقتصادی مسکن و شهرسازی درباره علل گرایش بیش از اندازه به تجاری



سازی انجام شده، ۴ عامل: ۱- تبعات و خسارت‌های ناشی از رکود مسکن، ۲- جهش‌های بی‌در پی در قیمت زمین، ۳- سود دو طرفه تجاری‌سازی و ۴- بستر هموار مقررات ساختمانی حاکم بر مدیریت شهری، در به وجود آمدن چنین وضعیتی مؤثر بوده است. بر اساس

از صاحبان مجتمع‌های تجاری، منبع درآمدی سرشار اما غیراصولی برای شهرداری‌ها فراهم آورده که باعث شده کمترین توجهی به سایر ملاحظات شهری و اجتماعی در این باره صورت نپذیرد. از طرفی از آنجا که قیمت فروش تراکم برای واحدهای تجاری، متغیر و حدود ۵ تا ۱۰ برابر قیمت تراکم واحدهای مسکونی است، بنابراین قیمت‌نهایی مجتمع‌های تجاری کاملاً غیرمشخص بوده و فضا برای سودجویی‌های کلان فراهم می‌شود. بر اساس آمارهای موجود در شهر تهران تا پیش از سال ۹۰، سالانه حداکثر بین ۵ تا ۳ درصد کل پروانه‌های ساختمانی صادره را پروانه‌های تجاری تشکیل می‌داد که بعد از سال ۹۰ بتدریج این عدد به حدود ۱۰ درصد رسیده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی در خصوص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه ساختمان‌سازی، قیمت زمین ساختمان‌های تجاری در زمان تکمیل نسبت به ۲ سال قبل از آن رشدی ۲۴۱ درصدی داشته است،

در حالی که این عدد برای واحدهای مسکونی به طور متوسط رشدی ۱۱۰ درصدی را نشان می‌دهد و به‌رغم اینکه قیمت زمین تجاری ۲ برابر قیمت زمین مسکونی است اما در عمل افزایش قیمتی که فقط به واسطه زمین عاید سرمایه‌گذاران واحدهای تجاری می‌شود، بیش از ۳ برابر است.

سولماز رضایی؟: تعدد ساخت مراکز تجاری یا به عبارتی «مال‌ها، چند سالی است توجه شهروندان کلانشهرها را به خود جلب کرده و سولات فراوانی را در خصوص چرایی ساخت این حجم از مجتمع‌های عظیم تجاری و در عین حال نگرانی‌هایی را درباره آثار سوء ناشی از این تعدد ساخت‌وساز که گاه با اصول صحیح اقتصاد شهری و نیز حقوق شهروندی در تضاد است، به وجود آورده است. در کلانشهرهای کشورمان طی سال‌های گذشته بیش از ۵۰ درصد بر سراج‌های، کاربری تجاری و چند منظوره داشته و نیز تعداد زیادی مراکز تجاری، در حال ساخت یا آماده بهره‌برداری است که در زنگ خطری را برای شهر و مردمانش به صدا درآورده است. بر اساس تمام اصول علمی مدیریت و مبانی توسعه پایدار شهری، قبل از اقدام به ساخت هرگونه مجموعه اقتصادی و تجاری، باید تمام آثار احتمالی بعدی ناشی از چنین ساخت‌وسازهایی از منظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و… در قالب مطالعات پیوست، مورد بررسی و محاسبه قرار گرفته و بهترین راهکارها برای پیشگیری از هرگونه عواقب ناخوشایندیی که در تضاد با توسعه پایدار شهری است، در نظر گرفته شود، چرا که رفع معضلات پیش‌بینی نشده در آینده هزینه‌های گزافی را به لحاظ مالی و کالبدی بر شهر تحمیل خواهد کرد. بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان، مدیریت کلانشهرها به دلیل مشکل آشنای عدم درآمد‌های پایدار، عملاً تبدیل به عاملی سرعت‌بخش در ایجاد مال‌های بزرگ شده‌اند. در واقع شهرداری‌ها بدون توجه به طرح‌های تفصیلی شهری و با نگاهی صرفاً درآمدمحور، اقدامات به صدور مجوز فروش تراکم خارج از ضابطه یا تغییر کاربری‌های غیرمجاز می‌کنند. درآمد‌هایی از قبیل فروش تراکم، هزینه صدور پروانه و عوارض مختلف